

فصل سوم

تحولات قیمتی در بخش صنعت، معدن و تجارت

در سال ۱۳۹۵ شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی در مناطق شهری ایران رشد ۹ درصدی تجربه کرد که دو گروه خوراکی‌ها و مسکن نقش اصلی در آن داشتند. رشد شاخص بهای تولیدکننده در این سال ۵ درصد بود که گروه خدمات نقش اصلی در آن ایفاء کرد؛ شاخص بهای تولیدکننده در گروه اصلی صنعت (ساخت) نیز ۳٫۶ درصد رشد داشت. رشد شاخص بهای کالاهای صادراتی ۲٫۷- درصد بود که در بین گروه‌های اصلی آن شاخص بهای صادراتی محصولات شیمیایی ۱٫۱- درصد، محصولات معدنی ۸٫۱- درصد و فلزات اساسی ۳٫۴- درصد رشد داشت. شاخص بهای کالاهای صادراتی به شدت تحت تأثیر قیمت جهانی مواد خام و به ویژه نفت خام قرار دارد که دلیل آن سهم بالای کالاهای صادراتی منبع‌محور و انرژی‌بر در سبد صادراتی کشور است.

رابطه مبادله بخش صنعت نسبت به کل اقتصاد طی دوره ۹۵-۱۳۹۲ روندی کاهنده داشته که به مفهوم تغییر آن به ضرر بخش صنعت است. تغییر رابطه مبادله به ضرر بخش صنعت به مفهوم رشد بالاتر قیمت کالاهای سایر بخش‌های اقتصادی نسبت به بخش صنعت و برخلاف روند توسعه صنعتی مرسوم دنیا است و می‌تواند به عنوان عامل محدودکننده این بخش به شمار آید.

رشد محدود شاخص‌های قیمت در سال ۱۳۹۵ منجر به فشار محدودتر بر افزایش اسمی نرخ ارز، رشد اسمی دستمزدها و نرخ اسمی سود بانکی شد؛ با این حال در سال ۱۳۹۵ دستمزد حقیقی در اقتصاد کشور به واسطه افزایش حداقل دستمزد بیش از نرخ تورم افزایش یافت، نرخ حقیقی دلار تقریباً ثابت ماند و نرخ حقیقی سود تسهیلات بانکی به دلیل تعدیل محدود نرخ‌های سود تسهیلات بانکی نسبت به تورم با افزایش مواجه شد. شایان ذکر است نرخ ارز حقیقی در سال ۱۳۹۵ (به دلیل تورم تک‌رقمی و افزایش نرخ ارز اسمی متناسب با آن) نسبت به سال ۱۳۹۴ تغییر محسوسی نداشت؛ این در حالی است که نرخ ارز حقیقی طی دوره ۹۴-۱۳۹۱ روندی نزولی را تجربه کرد و روند کاهشی قدرت رقابت‌پذیری محصولات تولید داخل (و پتانسیل بالقوه برای افزایش واردات و کاهش صادرات) در مقابل محصولات خارجی را بدنبال داشت.

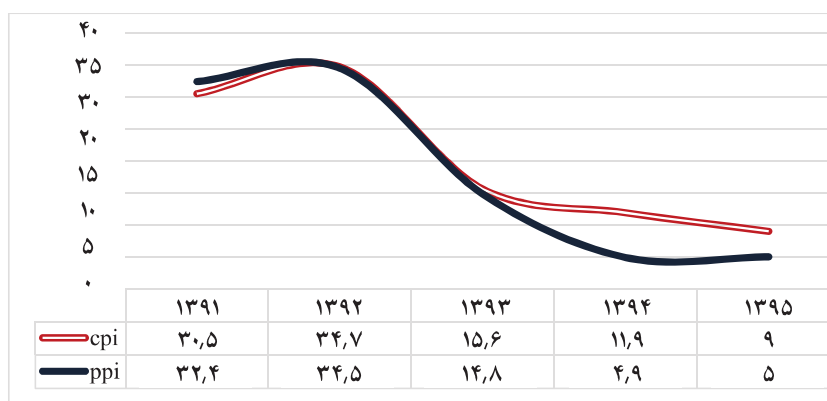
فصل حاضر که در دو بخش تدوین شده در بخش اول به بررسی روند و تجزیه و تحلیل سه شاخص قیمت کلیدی و در بخش دوم به بررسی کانال‌های اثرگذاری تورم بر متغیرهای عملکردی حوزه تولید و تجارت پرداخته است.

۱-۳. روند رشد شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی و تولیدکننده

روند رشد شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی (CPI) در مناطق شهری ایران و شاخص بهای تولیدکننده (PPI) طی دوره ۱۳۹۱-۹۵ (نمودار ۱-۳) نزولی بوده؛ به طوریکه به ترتیب از ۳۰,۵ و ۳۲,۴ درصد در سال ۱۳۹۱ به ۹ و ۵ درصد در سال ۱۳۹۵ دوره کاهش یافته است. در این ارتباط چند نکته حایز اهمیت است: اول آنکه دلیل عمده رشدهای بالای شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی طی دوره ۱۳۹۱-۹۲ ناشی از تشدید تحریم‌های بین‌المللی، افزایش نرخ ارز، بی‌ثباتی در فضای اقتصاد کلان و ... بوده است. دوم آنکه طی دوره ۱۳۹۲-۹۵ رشد شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی همواره بالاتر از رشد شاخص بهای تولیدکننده بوده است که نشانگر کم‌تر بودن فشارهای تورمی ناشی از فشار هزینه (در طرف عرضه اقتصاد) در مقایسه با فشار تقاضا می‌باشد. سوم آنکه در انتهای دوره یعنی سال ۱۳۹۵ تورم تک‌رقمی شده است که از دلایل آن می‌توان به ثبات بازار ارز، ایجاد ثبات نسبی در فضای اقتصاد کلان و افزایش تولید اشاره کرد.

نمودار (۱-۳): بررسی روند رشد شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی در مناطق شهری و شاخص بهای تولیدکننده

طی دوره ۱۳۹۱-۹۵ (درصد)



مأخذ: بانک مرکزی ج.ا.ایران.

بررسی سهم زیرگروه‌های اصلی و اختصاصی از تورم کل در جدول (۱-۳) بیانگر چند نکته است: اول آنکه گروه خوراکی‌ها و آشامیدنی‌ها ۲,۴ واحد درصد و گروه مسکن، آب، برق و گاز و سایر سوخت‌ها ۲,۴ واحد درصد از تورم ۹ درصدی سال ۱۳۹۵ را به خود اختصاص داده‌اند. دوم آنکه از متوسط تورم ۲۰,۳ درصدی طی دوره ۹۵-۱۳۹۱، سهم گروه اختصاصی کالا ۱۲,۶ واحد درصد و سهم گروه اختصاصی خدمت ۷,۷ واحد درصد سهم بوده است. به بیان دیگر (با فرض تورم ۱۰۰) متوسط سهم گروه کالا ۵۵,۸ واحد درصد و سهم گروه خدمت ۴۴,۲ واحد درصد می‌باشد. سوم آنکه سهم گروه اختصاصی کالا از تورم کل طی دوره ۹۲-۱۳۹۱ بیشتر از گروه خدمت است؛ حال آنکه طی دوره ۹۵-۱۳۹۳ سهم گروه اختصاصی خدمت بیشتر از گروه کالا است. دلیل این امر آن است که در دوره اول به دلیل افزایش شدید نرخ ارز (ناشی از تحریم‌های بین‌المللی) گروه کالا رشد بالایی تجربه کرد. به طور کلی بررسی روند تاریخی قیمت‌ها در اقتصاد ایران نشان می‌دهد سهم گروه خدمت (بجز در دوره‌هایی که تکانه‌های شدید نرخ ارز رخ داده است) بیشتر از گروه کالا است.

جدول (۱-۳): سهم گروه‌های اصلی و اختصاصی در رشد شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی در مناطق شهری ایران طی دوره ۹۵-۱۳۹۱ (درصد)

شرح	۱۳۹۱	۱۳۹۲	۱۳۹۳	۱۳۹۴	۱۳۹۵	متوسط
رشد شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی	۳۰,۵	۳۴,۷	۱۵,۶	۱۱,۹	۹	۲۰,۳
خوراکی‌ها و آشامیدنی‌ها	۱۲,۲	۱۲,۶	۲,۹	۳,۱	۲,۴	۶,۶
دخانیات	۰,۳	۰,۲	۰,۰	۰,۰	۰,۰	۰,۱
پوشاک و کفش	۲,۴	۲,۷	۱,۱	۰,۷	۰,۴	۱,۵
مسکن، آب، برق و گاز و سایر سوخت‌ها	۴,۲	۵,۷	۴,۲	۳,۱	۲,۴	۳,۹
اثاث، لوازم و خدمات مورد استفاده در خانه	۲,۶	۳,۱	۰,۷	۰,۴	۰,۳	۱,۴
بهداشت و درمان	۱,۷	۲,۶	۲,۲	۱,۹	۱,۴	۲,۰
حمل و نقل	۲,۹	۳,۴	۲,۳	۱,۲	۰,۷	۲,۱
ارتباطات	۰,۲	۰,۱	۰,۲	۰,۱	۰,۰	۰,۱
تفریح و امور فرهنگی	۱,۲	۱,۱	۰,۷	۰,۵	۰,۳	۰,۸
تحصیل	۰,۳	۰,۲	۰,۲	۰,۳	۰,۳	۰,۳

شرح	۱۳۹۱	۱۳۹۲	۱۳۹۳	۱۳۹۴	۱۳۹۵	متوسط
رستوران و هتل	۰,۷	۰,۸	۰,۴	۰,۳	۰,۲	۰,۵
کالاها و خدمات متفرقه	۱,۵	۱,۸	۰,۶	۰,۴	۰,۴	۰,۹
گروه‌های اختصاصی						
کالا	۲۲	۲۴	۷,۵	۵,۴	۴,۰	۱۲,۶
خدمات	۸,۳	۱۰,۶	۸,۱	۶,۶	۵,۰	۷,۷

مأخذ: بانک مرکزی ج.ا.ایران.

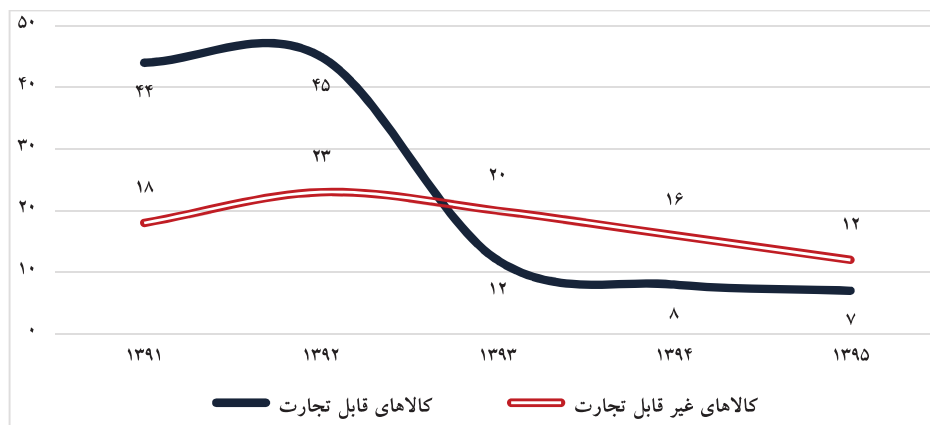
۳-۱-۱. سهم زیرگروه‌های اختصاصی و روند تورم کالاهای قابل تجارت و غیرقابل تجارت^۱

بررسی روند رشد شاخص بهای کالاها و خدمات قابل تجارت و غیرقابل تجارت در نمودار (۲-۳) مؤید چند نکته است:

۱. روند کلی رشد کالاهای قابل تجارت و غیرقابل تجارت طی دوره مورد مطالعه نزولی است؛ به گونه‌ای که به ترتیب از ۴۴ و ۱۸ درصد در ابتدای دوره به ۷ و ۱۲ درصد در انتهای دوره کاهش یافته‌اند.
۲. طی دوره ۹۲-۱۳۹۱ رشد قیمت کالاهای قابل تجارت بالاتر از رشد قیمت کالاهای غیرقابل تجارت بوده است، لیکن طی دوره ۹۵-۱۳۹۳ این روند معکوس شده است. از دلایل این امر می‌توان به افزایش شدید نرخ ارز (ناشی از تحریم‌های بین المللی) اشاره کرد. شایان ذکر است بررسی روند تاریخی قیمت‌ها در اقتصاد ایران نشان می‌دهد رشد گروه غیرقابل تجارت همواره (بجز در دوره‌هایی که تکانه‌های شدید نرخ ارز رخ داده است) بیشتر از گروه قابل تجارت بوده است. دلیل این مسئله عدم افزایش متناسب نرخ ارز با تفاضل تورم داخلی و خارجی است که نتیجه آن مقرون به صرفه شدن واردات کالاهای قابل تجارت در مقابل کالاهای غیرقابل تجارت است.
۳. در انتهای دوره یعنی سال ۱۳۹۵ رشد قیمت کالاها و خدمات گروه قابل تجارت و غیرقابل تجارت به ترتیب ۷ و ۱۲ درصد بوده که نشانگر تک‌رقمی شدن تورم گروه قابل تجارت و ثبات تورمی در این گروه کالایی است.

۱. بررسی روند قیمت کالاهای قابل تجارت و غیرقابل تجارت نقش مهمی در تحلیل تحولات قیمتی ایفا می‌کند. در یک طبقه‌بندی کلی می‌توان کالاها و خدمات مصرفی را به دو دسته اقلام قابل تجارت و غیرقابل تجارت تقسیم کرد. اقلام قابل تجارت قابلیت فروش در جایی دیگر و دورتر از مکان تولید شده را دارند؛ لذا بالقوه دارای ویژگی صادرات یا واردات می‌باشند (عمده کالاهای صنعتی، کشاورزی و بخشی از خدمات در دسته کالاهای قابل تجارت قرار دارند). براین اساس مسکن و بخشی از خدمات که قابلیت صادرات و یا واردات ندارند جزء اقلام غیرقابل تجارت قرار می‌گیرند.

نمودار (۲-۳): رشد شاخص قیمت کالاها و خدمات قابل تجارت و غیرقابل تجارت طی دوره ۱۳۹۱-۹۵ (درصد)

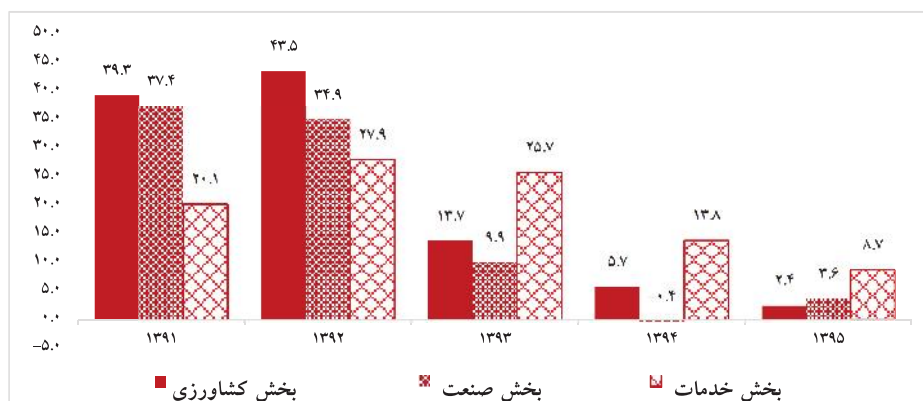


مأخذ: بانک مرکزی ج.ا.ایران.

۲-۳. روند رشد قیمت شاخص بهای تولیدکننده و گروه‌های اصلی و فرعی آن

شاخص بهای تولیدکننده معیار بررسی تغییرات قیمتی در حوزه تولید است و علامت‌دهی دلایل بروز تورم با منشأ هزینه تولید از این شاخص منتج می‌شود. در این راستا این قسمت در دو بخش به بررسی روند رشد گروه‌های اصلی شاخص بهای تولیدکننده و استخراج سهم آنها از رشد شاخص بهای تولیدکننده می‌پردازد. رشد شاخص بهای تولیدکننده از ۳۲٫۴ درصد در سال ۱۳۹۱ به ۵ درصد در سال ۱۳۹۵ کاهش یافته است. بررسی گروه‌های اصلی شاخص بهای تولیدکننده طی دوره ۱۳۹۱-۹۵ طبق نمودار (۳-۳) نشان می‌دهد که رشد گروه اصلی کشاورزی از ۳۹٫۳ درصد در ابتدای دوره به ۲٫۴ درصد در انتهای دوره رسیده است. رشد گروه اصلی صنعت از ۳۷٫۴ درصد در ابتدای دوره به ۳٫۶ درصد در انتهای دوره کاهش یافته است. شاخص بهای تولیدکننده گروه صنعت طی دوره ۱۳۹۱-۹۲ رشدهای بالایی تجربه کرده است که از مهمترین دلایل آن می‌توان به افزایش نرخ ارز و به تبع آن افزایش قیمت مواد اولیه و تجهیزات و هزینه تولید اشاره کرد. شایان ذکر است گروه صنعت در سال ۱۳۹۴ رشد ۰٫۴- درصدی داشته است که از دلایل آن می‌توان به رکود حاکم بر این بخش اشاره داشت.

نمودار (۳-۳): رشد گروه‌های اصلی شاخص بهای تولیدکننده طی دوره ۱۳۹۱-۹۵ (درصد)



مأخذ: بانک مرکزی ج.ا.ایران.

بررسی سهم گروه‌های اصلی و فرعی از رشد شاخص بهای تولیدکننده براساس جدول (۲-۳) مؤید برخی نکات به شرح زیر است:

- گروه اصلی صنعت طی دوره ۱۳۹۱-۹۲ بالاترین سهم از رشد شاخص بهای تولیدکننده را دارد؛ به گونه‌ای که در سال ۱۳۹۱ معادل ۱۹٫۴ واحد درصد (از رشد شاخص کل ۳۲٫۴) و در سال ۱۳۹۲ معادل ۱۸٫۸ واحد درصد (از رشد شاخص کل ۳۴٫۵) به این گروه اختصاص داشته است. طی دوره ۱۳۹۳-۹۵ سهم عمده رشد شاخص کل ناشی از گروه اصلی خدمات بوده است.
- متوسط رشد شاخص گروه اصلی صنعت طی دوره ۱۳۹۱-۹۵ معادل ۹ درصد می‌باشد که گروه‌های فرعی تولید کک و فراآورده‌های حاصل از پالایش نفت (با متوسط سهم ۲٫۴ واحد درصدی)، تولید ماشین‌آلات و تجهیزات طبقه‌بندی نشده در جای دیگر (با متوسط سهم ۱٫۶ واحد درصدی) و تولید سایر فراآورده‌های معدنی غیرفلزی (با متوسط سهم ۱٫۲ واحد درصدی) بیشترین سهم از رشد شاخص گروه اصلی صنعت را داشته‌اند.
- شاخص گروه اصلی صنعت در سال ۱۳۹۵ رشد ۳٫۶ درصدی داشته است که سهم ۱٫۸ واحد درصدی از رشد شاخص بهای تولیدکننده را به خود اختصاص داده است. تولید مواد شیمیایی و فراآورده‌های شیمیایی با سهم ۰٫۴۱، تولید فراآورده‌های غذایی با سهم ۰٫۳۴، و فلزات پایه با سهم ۰٫۳۱ واحد درصدی بیشترین سهم در رشد این شاخص را دارا می‌باشند.

جدول (۲-۳): سهم گروه‌های اصلی و فرعی از رشد شاخص بهای تولیدکننده طی دوره ۹۵-۱۳۹۱ (درصد)

متوسط	۱۳۹۵	۱۳۹۴	۱۳۹۳	۱۳۹۲	۱۳۹۱	
۱۸,۳	۵	۴,۹	۱۴,۸	۳۴,۵	۳۲,۴	رشد شاخص بهای تولیدکننده
۵,۵	۲,۷	۴,۰	۶,۸	۷,۸	۶,۲	خدمات
۳,۷	۰,۵	۱,۱	۲,۶	۷,۸	۶,۷	کشاورزی و جنگلداری
۹,۰۵	۱,۷۷	-۰,۲۰	۵,۳۷	۱۸,۸۵	۱۹,۴۴	صنعت
۱,۱۵	۰,۳۴	۰,۴۹	۰,۷۵	۱,۹۵	۲,۲۲	تولید فرآورده‌های غذایی
۰,۰۶	۰,۰۲	۰,۰۲	۰,۰۲	۰,۱۴	۰,۱۲	تولید انواع آشامیدنی‌ها
۰,۰۴	۰,۰۱	۰,۰۰	-۰,۰۱	۰,۱۰	۰,۰۸	دخانیت
۰,۱۷	۰,۰۱	۰,۰۳	۰,۰۷	۰,۴۱	۰,۳۵	تولید منسوجات
۰,۰۳	۰,۰۱	۰,۰۲	۰,۰۲	۰,۰۷	۰,۰۵	تولید پوشاک
۰,۰۳	۰,۰۰	۰,۰۰	۰,۰۲	۰,۱۰	۰,۰۵	تولید چرم و فرآورده‌های وابسته
۰,۰۳	۰,۰۵	۰,۰۱	۰,۰۱	۰,۰۵	۰,۰۵	تولید چوب، فرآورده‌های چوب و چوب‌پنبه (بجز مبلمان)
۰,۰۷	-۰,۰۱	-۰,۰۱	-۰,۰۲	۰,۲۴	۰,۱۳	تولید کاغذ و فرآورده‌های کاغذی
۰,۰۵	۰,۰۳	۰,۰۷	۰,۰۶	۰,۰۳	۰,۰۲	چاپ و تکثیر رسانه‌های ضبط شده
۰,۸۴	۰,۰۷	۰,۶۵	۲,۱۷	۰,۶۶	۰,۶۵	تولید کک و فرآورده‌های حاصل از پالایش نفت
۲,۰۴	۰,۴۱	-۱,۳۵	-۰,۴۰	۵,۵۰	۶,۰۴	تولید مواد شیمیایی و فرآورده‌های شیمیایی
۰,۲۰	۰,۱۲	۰,۰۸	۰,۱۶	۰,۵۰	۰,۱۴	تولید داروها و فرآورده‌های دارویی شیمیایی و گیاهی
۰,۳۱	-۰,۰۱	۰,۰۲	۰,۲۶	۰,۶۸	۰,۵۸	تولید فرآورده‌های لاستیکی و پلاستیکی
۰,۳۶	۰,۰۹	۰,۰۵	۰,۳۲	۰,۷۷	۰,۶۰	تولید سایر فرآورده‌های معدنی غیرفلزی
۱,۰۸	۰,۳۱	-۰,۹۷	-۰,۱۶	۲,۲۱	۴,۰۲	تولید فلزات پایه

متوسط	۱۳۹۵	۱۳۹۴	۱۳۹۳	۱۳۹۲	۱۳۹۱	
۰,۱۹	۰,۰۳	۰,۰۵	۰,۰۸	۰,۳۷	۰,۴۴	تولید محصولات فلزی ساخته شده بجز ماشین آلات و تجهیزات
۰,۰۷	۰,۰۳	۰,۰۰	۰,۰۴	۰,۱۲	۰,۱۵	تولید محصولات رایانه‌ای، الکترونیکی و نوری
۰,۳۹	۰,۰۰	۰,۰۶	۰,۱۹	۰,۷۸	۰,۹۲	تولید تجهیزات برقی
۰,۱۵	۰,۰۳	۰,۰۳	۰,۱۲	۰,۲۷	۰,۳۰	تولید ماشین آلات و تجهیزات طبقه بندی نشده در جای دیگر
۱,۶۸	۰,۱۹	۰,۵۲	۱,۶۰	۳,۶۷	۲,۴۲	تولید وسایل نقلیه موتوری، تریلر و نیم تریلر
۰,۰۳	۰,۰۱	۰,۰۱	۰,۰۱	۰,۱۰	۰,۰۵	تولید سایر تجهیزات حمل و نقل
۰,۰۴	۰,۰۲	۰,۰۲	۰,۰۳	۰,۰۹	۰,۰۵	مبلمان

مأخذ: بانک مرکزی ج.ا.ایران.

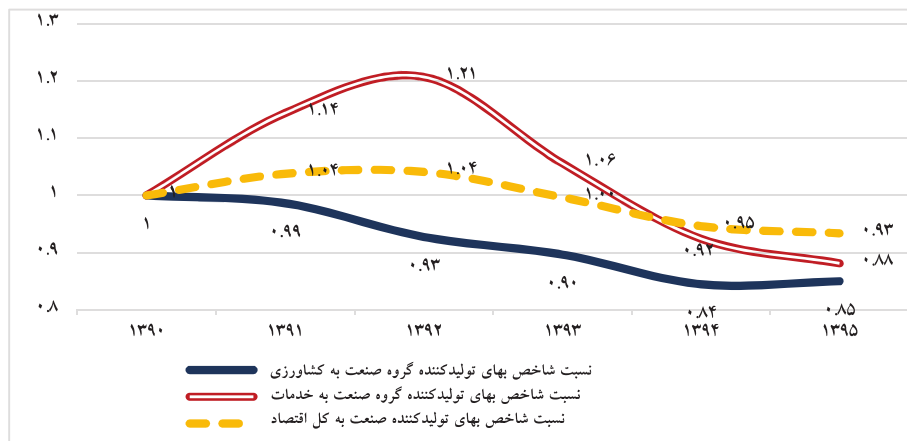
۳-۳. روند رابطه مبادله^۱ بخش صنعت با سایر بخش‌ها

روند رابطه مبادله بخش صنعت نسبت به سایر بخش‌های اقتصادی طی دوره ۹۵-۱۳۹۱ طبق نمودار (۳-۴) نشانگر چند نکته کلیدی است:

- رابطه مبادله بخش صنعت نسبت به بخش کشاورزی طی دوره ۹۵-۱۳۹۰ روندی نزولی دارد، به گونه‌ای که از ۱ در سال ۱۳۹۰ به ۰,۸۵ در سال ۱۳۹۵ کاهش یافته است. این امر نشانگر رشد بالاتر قیمت تولید کالاهای کشاورزی نسبت به کالاهای صنعتی طی دوره مورد بررسی می‌باشد.
- رابطه مبادله بخش صنعت نسبت به خدمات طی دوره ۹۲-۱۳۹۱ روندی صعودی و طی دوره ۹۵-۱۳۹۳ روندی نزولی داشته است. طیف مختلفی از عوامل مثبت و منفی مانند قیمت‌گذاری دستوری کالاهای صنعتی، تثبیت نرخ ارز، تحولات فنی و تکنیکی، افزایش مقیاس تولید و ایجاد صرفه‌های اقتصادی از دلایل اصلی کاهش رابطه مبادله بخش صنعت نسبت به بخش خدمات طی سال‌های اخیر است.

۱. رابطه مبادله از نسبت شاخص گروه اصلی صنعت در شاخص بهای تولیدکننده به دیگر شاخص‌های گروه اصلی به دست می‌آید؛ به عنوان نمونه نسبت رابطه مبادله بخش صنعت به خدمات از تقسیم شاخص گروه اصلی صنعت به شاخص گروه اصلی خدمات در شاخص بهای تولیدکننده محاسبه می‌شود.

نمودار (۳-۴): رابطه مبادله بخش صنعت نسبت به سایر بخش‌ها طی دوره ۱۳۹۰-۹۵

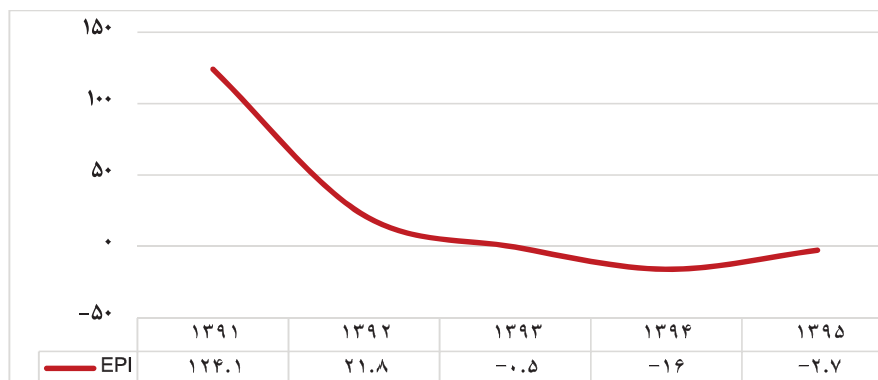


مأخذ: بانک مرکزی ج.ا.ایران.

۳-۴. شاخص بهای کالاهای صادراتی

این بخش به بررسی روند رشد شاخص بهای کالاهای صادراتی (EPI) و گروه‌های اصلی آن و استخراج سهم گروه‌های اصلی از رشد شاخص بهای کالاهای صادراتی کل اختصاص دارد. رشد شاخص بهای کالاهای صادراتی طی دوره ۱۳۹۱-۹۵ کاهش قابل توجهی داشته است؛ به طوریکه از ۱۲۴ درصد در سال ۱۳۹۱ به ۲۷ درصد در ۱۳۹۵ تنزل یافته است (نمودار ۳-۵). از دلایل این موضوع می‌توان به ثبات نرخ ارز و کاهش قیمت نفت و دیگر مواد خام در بازارهای جهانی اشاره کرد. شایان ذکر است طی دوره ۹۴-۱۳۹۳ رشد این شاخص منفی بوده است. روند نزولی و منفی رشد شاخص بهای کالاهای صادراتی نشان می‌دهد به دلیل سهم بالای کالاهای صادراتی منبع‌محور و انرژی‌براز صادرات کل، شاخص بهای کالاهای صادراتی به شدت تحت تأثیر قیمت جهانی مواد خام و به ویژه نفت قرار دارد. در سال ۱۳۹۵ این شاخص افت ۲۷ درصدی را تجربه کرد.

نمودار (۳-۵): روند رشد شاخص بهای کالاهای صادراتی طی دوره ۱۳۹۱-۹۵ (درصد)



مأخذ: بانک مرکزی ج.ا.ایران.

بررسی گروه‌های اصلی شاخص بهای کالاهای صادراتی در نمودار (۳-۶) نشان می‌دهد که در سال ۱۳۹۱ شاخص گروه اصلی محصولات شیمیایی و صنایع وابسته ۱۳۲ درصد، محصولات معدنی ۱۲۴٫۸ درصد و فلزات معمولی ۱۱۵٫۱ درصد رشد داشته‌اند این در حالی است که شاخص گروه اصلی محصولات مذکور در سال ۱۳۹۵ به ترتیب از رشد ۱٫۱-، ۸٫۱- و ۳٫۴- درصد برخوردار بوده است. عمده‌ترین دلیل افزایش شاخص بهای کالاهای صادراتی در سال ۱۳۹۱ افزایش شدید نرخ ارز بوده است. از سال ۱۳۹۳ شاخص بهای صادراتی کالاهای مذکور به دلیل کاهش قیمت نفت خام و فلزات اساسی در سطح جهانی، رشد منفی داشته است. شایان توجه آنکه در سال ۱۳۹۵ به دلیل بهبود شرایط اقتصاد جهانی و افزایش قیمت نفت خام، رشد منفی شاخص گروه‌های اصلی منتخب در شاخص بهای کالاهای صادراتی نسبت به سال ۱۳۹۴ کمتر شده است.

نمودار (۳-۶): رشد گروه‌های اصلی منتخب شاخص بهای کالاهای صادراتی طی دوره ۱۳۹۱-۹۵ (درصد)



مأخذ: بانک مرکزی ج.ا.ایران.

بررسی سهم گروه‌های اصلی از کاهش شاخص بهای کالاهای صادراتی براساس جدول (۳-۳) موارد زیر را خاطرنشان می‌سازد:

۱. طی دوره ۱۳۹۱-۹۵ به‌طور متوسط گروه‌های اصلی محصولات معدنی (۶٫۸ واحد درصد)، محصولات صنایع شیمیایی و صنایع وابسته (۵٫۱ واحد درصد)، محصولات نباتی (۳ واحد درصد)، مواد پلاستیک و کائوچو و مصنوعات آن‌ها (۳ واحد درصد)، فلزات معمولی و مصنوعات آن‌ها (۲٫۲ واحد درصد) بیشترین سهم را در رشد شاخص بهای کالاهای صادراتی کشور داشته‌اند.

۲. بررسی گروه‌های اصلی شاخص بهای کالاهای صادراتی نشان می‌دهد که بیشترین دلیل تغییرات روبه پایین شاخص قیمت کالاهای صادراتی در سال ۱۳۹۵ را باید در کاهش قیمت گروه‌های اصلی محصولات معدنی و مواد پلاستیک و کائوچو و فلزات معمولی جستجو کرد. این گروه فعالیت‌ها به‌ترتیب سهم ۲٫۱، ۰٫۴ و ۰٫۳ واحد درصدی را از کاهش ۲٫۷ درصدی شاخص بهای کالاهای صادراتی به خود اختصاص داده‌اند.

جدول (۳-۳): سهم گروه‌های اصلی از رشد شاخص بهای صادراتی طی دوره ۹۵-۱۳۹۱ (درصد)

گروه	۱۳۹۱	۱۳۹۲	۱۳۹۳	۱۳۹۴	۱۳۹۵	متوسط
رشد شاخص کل	۱۲۴,۱	۲۱,۸	-۰,۴	-۱۶,۱	-۲,۷	۲۵,۳
محصولات حیوانی	۳,۱	۰,۵	۰,۱	۰,۰	۰,۳	۰,۸
محصولات نباتی	۱۲,۹	۲,۱	۰,۲	۰,۷	-۰,۸	۳
چربی‌ها و روغن‌های حیوانی و نباتی	۰,۵	۰,۱	۰,۰	۰,۰	۰,۱	۰,۱
محصولات صنایع غذایی، نوشابه‌ها و توتون	۴,۷	۱,۲	۰,۰	۰,۱	۰,۴	۱,۳
محصولات معدنی	۳۹,۷	۷,۴	۱,۱	-۱۲	-۲,۱	۶,۸
محصولات صنایع شیمیایی و صنایع وابسته	۲۶,۵	۴,۲	-۲,۱	-۲,۹	-۰,۲	۵,۱
مواد پلاستیک و کائوچو و مصنوعات آنها	۱۲,۱	۴,۰	۰,۱	-۱,۱	-۰,۴	۳
پوست و چرم و محصولات چرمی	۰,۶	۰,۱	-۰,۱	-۰,۲	۰,۰	۰,۱
چوب و اشیای چوبی	۰,۱	۰,۰	۰,۰	۰,۰	۰,۰	۰,۰
مواد نسجی و مصنوعات از این مواد	۴,۱	۰,۰	۰,۳	۰,۴	۰,۲	۱
انواع کفش	۰,۵	۰,۲	۰,۱	۰,۰	۰,۰	۰,۲
مصنوعات ساخته شده از انواع سنگ	۳	۰,۲	-۰,۱	۰,۰	۰,۰	۰,۶
فلزات معمولی و مصنوعات آنها	۱۱,۲	۱,۲	۰,۲	-۱,۲	-۰,۳	۲,۲
ماشین‌آلات مکانیکی و ادوات برقی	۳,۸	۰,۵	-۰,۲	-۰,۱	۰,۱	۰,۸
وسایل نقلیه زمینی و تجهیزات ترابری	۱,۲	۰,۲	۰,۰	۰,۱	۰,۰	۰,۳

مأخذ: بانک مرکزی ج.ا.ایران.

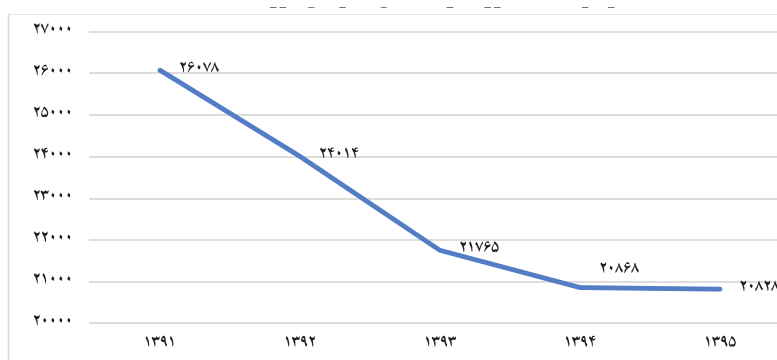
۳-۵. کانال‌های اثرگذاری تورم بر تولید و تجارت

تورم از متغیرهای اقتصادی است که به‌طور مستقیم و غیرمستقیم بر بخش تولید و تجارت اثر می‌گذارد. تورم به‌طور مستقیم بر هزینه‌های سرمایه‌گذاری، میزان تولید، صادرات و واردات و به‌طور غیرمستقیم از کانال متغیرهایی مانند نرخ ارز، نرخ سود (سپرده‌ها و تسهیلات) بانکی و نرخ رشد دستمزدها بر متغیرهای عملکردی بخش‌های تولید و تجارت تأثیر می‌گذارد.

۳-۵-۱. تأثیر غیرمستقیم تورم از کانال نرخ ارز بر تولید و تجارت

نرخ حقیقی ارز که تغییر قیمت‌ها و هزینه‌های نسبی را با پول مشترک اندازه می‌گیرد؛ یکی از مهمترین شاخص‌های اندازه‌گیری قدرت رقابت‌پذیری اقتصادی است. افزایش تورم داخلی (با فرض ثبات تورم خارجی) در صورتیکه با افزایش نرخ اسمی ارزهای خارجی همراه نباشد منجر به کاهش نرخ حقیقی ارز خواهد شد. کاهش نرخ حقیقی ارز، قیمت کالاها و خدمات صادراتی تولیدکنندگان داخلی را نسبت به قیمت‌های جهانی افزایش داده و در نتیجه قدرت رقابتی تولیدکنندگان داخلی در بازارهای جهانی را کاسته و منجر به کاهش صادرات کشور خواهد شد. همچنین کاهش نرخ حقیقی ارز، قیمت کالاها و خدمات وارداتی را کاهش داده و در نتیجه منجر به افزایش واردات می‌شود. در مجموع کاهش نرخ حقیقی ارز از طریق کاهش صادرات و افزایش واردات، تأثیر منفی بر تراز تجاری کشور می‌گذارد (و بالعکس).

نمودار (۳-۷): روند نرخ حقیقی دلار طی دوره ۱۳۹۱-۹۵



مأخذ: موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی.

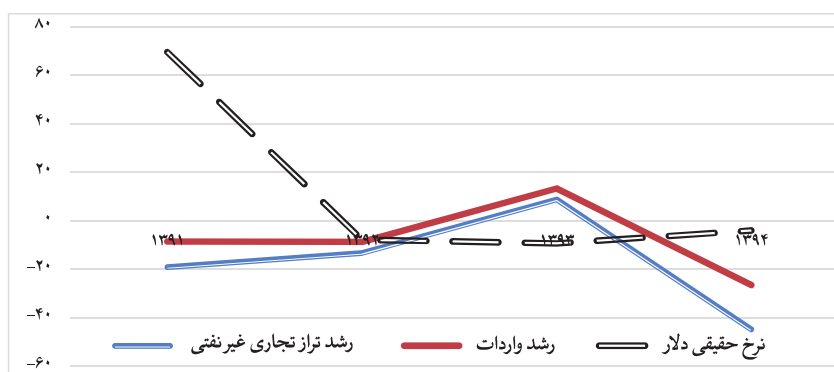
بررسی روند نرخ حقیقی دلار طی دوره ۱۳۹۱-۹۵ نشانگر روندی نزولی آن است، به گونه‌ای که از ۲۶۰۷۸ در سال ۱۳۹۱ به ۲۰۸۲۸ در سال ۱۳۹۵ کاهش یافته است (نمودار ۳-۷). طی دوره مذکور نرخ حقیقی دلار حدود ۲۰ درصد کاهش یافته است.^۲

۱. طبق بند (ج) ماده ۸۱ قانون برنامه پنجم توسعه «نظام ارزی کشور شناور مدیریت شده است و نرخ ارز با توجه به حفظ دامنه رقابت‌پذیری در تجارت خارجی و با ملاحظه تورم داخلی و جهانی و همچنین شرایط اقتصاد کلان از جمله تعیین حد مطلوبی از ذخایر خارجی تعیین خواهد شد»؛ بنابراین هر ساله باید به میزان شکاف میان تورم داخلی و خارجی به نرخ ارز افزوده شود.

۲. در محاسبات مذکور سال ۱۳۹۱ به عنوان سال پایه در نظر گرفته شده است؛ لذا نرخ ارز حقیقی و اسمی با یکدیگر برابر می‌باشند.

براساس نمودار (۸-۳) ارتباط معکوسی بین رشد نرخ حقیقی دلار با متغیرهای رشد واردات و رشد تراز تجاری غیرنفتی طی دوره ۱۳۹۱-۹۴ وجود دارد. این بدان مفهوم است که طی دوره موردنظر تثبیت نرخ اسمی دلار و کاهش نرخ حقیقی آن منجر به افزایش واردات و کاهش تراز تجاری غیرنفتی کشور شده است. شایان ذکر است تراز تجاری غیرنفتی منفی است، لذا رشد مثبت آن به مفهوم منفی شدن بیشتر تراز تجاری خواهد بود (و بالعکس)^۱.

نمودار (۸-۳): روند رشد نرخ حقیقی دلار، رشد واردات و رشد تراز تجاری طی دوره ۱۳۹۱-۹۵ (درصد)



مأخذ: محاسبات براساس اطلاعات بانک مرکزی.

۳-۵-۲. تأثیر غیرمستقیم تورم از کانال دستمزدها^۲ بر تولید و تجارت

طبق ماده ۴۱ قانون کار، حداقل دستمزد کارگران می‌بایست براساس تورم سالانه تعیین شوند، لذا هرگونه افزایش تورم، فشاری افزایشی را متوجه حداقل دستمزد تعیین شده برای کارگران در هر سال نموده و به تبع آن افزایش هزینه‌های تولید را در پی خواهد داشت. براساس نمودار (۹-۳) مشاهده می‌شود که بیشترین سهم دستمزد از ستانده مربوط به صنایع «تولید ابزار پزشکی، اپتیک و ابزار دقیق» ۳۱٫۷ درصد، «تولید پوشاک» ۲۰٫۶ درصد و «تولید محصولات از توتون و تنباکو» ۲۰٫۵ درصد و کمترین سهم نیز به

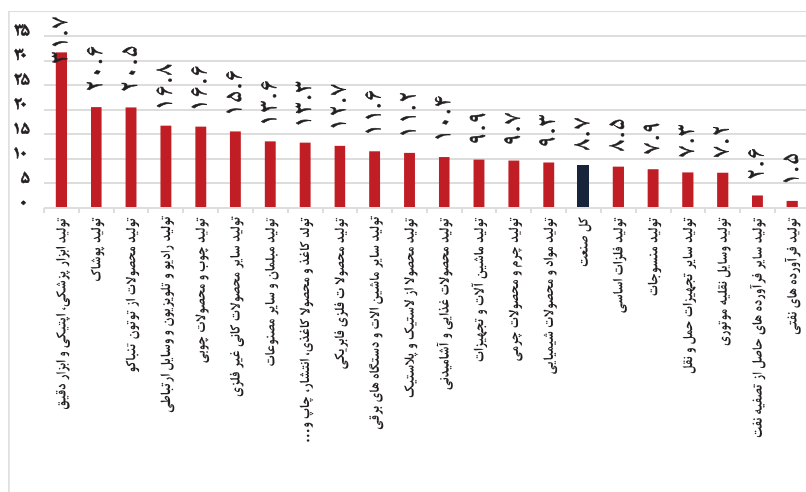
۱. بررسی و تحلیل دقیق تر موضوع (طی دور زمانی طولانی تر) در پیوست ارائه شده است.

۲. طبق ماده (۴۱) قانون کار نیز «شورای عالی کار همه ساله موظف است برای نقاط مختلف کشور و یا صنایع مختلف: ۱- حداقل مزد کارگران را با توجه به درصد تورمی که از طرف بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران اعلام می‌شود، تعیین کند و ۲- حداقل مزد کارگران باید به اندازه‌ای باشد تا زندگی یک خانواده که تعداد متوسط آن توسط مراجع رسمی اعلام می‌شود را تأمین کند». وجود این قانون باعث شده تا دستمزدها هر ساله با در نظر گرفتن نرخ تورم سالانه مورد تعدیل قرار گیرند.

صنایع «تولید وسایل نقلیه موتوری» ۷,۲ درصد، «تولید سایر فرآورده‌های حاصل از تصفیه نفت» ۲,۶ درصد و «تولید فرآورده‌های نفتی» ۱,۵ درصد اختصاص دارد. سهم دستمزد از ستانده در کل صنعت نیز ۸,۷ درصد است. متوسط رشد دستمزدها طی دوره ۹۵-۱۳۹۱ حدود ۲۰ درصد بوده که نشانگر افزایش متوسط سالانه هزینه‌های تولید بخش صنعت به میزان حدود ۱,۷ درصد است. همچنین افزایش متوسط سالانه هزینه‌های تولید ناشی از افزایش دستمزدها در صنایع «تولید ابزار پزشکی، اپتیک و ابزار دقیق» ۶,۳ درصد، «تولید پوشاک» ۴,۱ درصد و «تولید محصولات از توتون و تنباکو» ۴,۱ درصد بوده است. این محاسبات تنها اثرات مستقیم تغییرات دستمزد بر هزینه صنایع را نشان می‌دهد، لذا اثر کل (مجموع اثر مستقیم و غیرمستقیم) بالاتر خواهد بود.

اگر صنایع کشور به صنایع کاربر و سرمایه‌بر تقسیم شوند، می‌توان مدعی شد که افزایش دستمزدها تأثیر بیشتری بر افزایش هزینه صنایع کاربر خواهد داشت. به بیان دیگر به دلیل سهم بالاتر دستمزد در هزینه صنایع کاربر نسبت به صنایع سرمایه‌بر، هرگونه افزایش در دستمزدها منجر به افزایش نسبی بیشتری در هزینه صنایع کاربر نسبت به صنایع سرمایه‌بر خواهد شد. شایان ذکر است در سال ۱۳۹۵ روند تورم و رشد دستمزدهای اسمی نزولی بوده است که نشانگر تخفیف اثرات افزایش هزینه ناشی از افزایش اسمی دستمزدها در اقتصاد کشور می‌باشد. با این حال به دلیل کاهش قابل توجه تورم دستمزدهای حقیقی در اقتصاد با افزایش مواجه شده است.

نمودار (۳-۹): سهم دستمزد از ستانده در گروه‌های مختلف صنعتی در سال ۱۳۹۳ (درصد)



مأخذ: محاسبات براساس اطلاعات مرکز آمار ایران.

۳-۵-۳. تأثیر غیرمستقیم تورم از کانال نرخ سود تسهیلات بانکی^۱ بر تولید و تجارت

طبق ماده ۹۲ قانون برنامه پنجم توسعه، شورای پول و اعتبار موظف است نرخ سود علی الحساب سپرده‌های یکساله را حداقل به میزان میانگین نرخ تورم سال قبل و پیش‌بینی سال مورد عمل تعیین کند. نرخ سود تسهیلات متناسب با نرخ سود سپرده‌ها و سود مورد انتظار بانک‌ها توسط شورای پول و اعتبار تعیین می‌شود. براین اساس افزایش نرخ تورم منجر به افزایش نرخ سود (سپرده‌ها و تسهیلات) بانکی و به تبع آن افزایش هزینه‌های مالی بنگاه‌های صنعتی خواهد شد. نکته دیگر آنکه تعیین نرخ سود سپرده‌ها و تسهیلات بر اساس سازوکار مذکور اگرچه دارای منطق اقتصادی و فوایدی (مانند ایجاد جذابیت و افزایش قدرت جذب منابع در نظام بانکی و فراهم کردن زمینه هدایت و مدیریت منابع به سمت فعالیت‌های مولد) می‌باشد، اما دارای نقیصه بی‌ثباتی و نوسان بالای نرخ‌های سود به دلیل بی‌ثباتی نرخ تورم نیز هست.^۲

کاهش نرخ تورم در سال ۱۳۹۵ و چشم‌انداز تداوم تک رقمی ماندن آن براساس تورم هدفگذاری شده توسط دولت، عملاً فشار کاهشی را متوجه نرخ سود سپرده‌ها و تسهیلات بانکی و به طریق اولی کاهش هزینه‌های تولید در اقتصاد کشور در سال ۱۳۹۵ نمود.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری فصل سوم

فضای باثبات اقتصادی پس از برجام، ثبات نسبی بازار ارز و کاهش انتظارات تورمی در سال ۱۳۹۵ منجر به تک‌رقمی شدن رشد شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی در سطح ۹ درصد، رشد شاخص بهای تولیدکننده در سطح ۵ درصد و رشد شاخص بهای صادراتی در سطح ۲٫۷- درصد شد. همچنین رشد شاخص گروه صنعت در شاخص بهای تولیدکننده طی دوره ۹۵-۱۳۹۴ به ترتیب ۰٫۴- و ۳٫۶ درصد بود که نشانگر تک‌رقمی شدن رشد این شاخص است (اگرچه در سال ۱۳۹۵ نسبت به سال قبل افزایش داشته است). گروه‌های اصلی تولید مواد شیمیایی و فرآورده‌های شیمیایی با سهم ۰٫۴۱ واحد درصدی، تولید

۱. طبق ماده ۹۲ قانون برنامه پنجم توسعه «شورای پول و اعتبار موظف است نرخ سود علی الحساب سپرده‌های یکساله را حداقل به میزان میانگین نرخ تورم سال قبل و پیش‌بینی سال مورد عمل تعیین نماید. نرخ سود تسهیلات متناسب با نرخ سود سپرده‌ها و سود مورد انتظار بانک‌ها توسط شورای پول و اعتبار تعیین می‌شود. بانک‌ها در صورتی ملزم به پرداخت تسهیلات در قالب عقود مبادله‌ای با نرخ کمی‌تر از نرخ اعلام شده توسط شورای پول و اعتبار می‌باشند که علاوه بر تأیید معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رییس‌جمهور، مابه‌التفاوت سود از طریق یارانه یا وجوه اداره شده توسط دولت تأمین گردد».

۲. به دلیل واریانس بالای تورم در اقتصاد ایران، نرخ سود بانکی از ثبات برخوردار نخواهد بود. به عنوان مثال متوسط تورم ایران طی دوره ۹۵-۱۳۹۱ معادل ۲۰ درصد با انحراف معیار ۱۲ بوده است؛ لذا طی دوره مذکور هم تورم ۳۴٫۷ درصدی (در سال ۱۳۹۲) و هم تورم ۹ درصدی (در سال ۱۳۹۵) مشاهده می‌شود. براین اساس تعدیل نرخ سود بانکی متناسب با تورم بدان مفهوم است که نرخ سود بانکی طی دوره مورد نظر می‌بایست نوسانات بسیار بالایی تجربه کند.

فرآورده‌های غذایی با سهم ۰/۳۴ واحد درصدی و فلزات پایه با سهم ۰/۳۱ واحد درصدی بیشترین سهم را در رشد گروه اصلی صنعت در سال ۱۳۹۵ داشته‌اند.

رابطه مبادله بخش صنعت نسبت به بخش کشاورزی از ۱ در سال ۱۳۹۰ به ۰/۸۵ در سال ۱۳۹۵ و رابطه مبادله بخش صنعت نسبت به خدمات نیز از ۱ در سال ۱۳۹۰ به ۱/۲ در سال ۱۳۹۲ و سپس ۰/۸۸ در سال ۱۳۹۵ کاهش یافته است که نشانگر تغییر رابطه مبادله به ضرر بخش صنعت کشور می‌باشد. این امر به مفهوم رشد بالاتر قیمت کالاها و خدمات سایر بخش‌های اقتصادی نسبت به قیمت کالاهای تولیدشده در بخش صنعت (ساخت) می‌باشد و چون برخلاف روند توسعه صنعتی مرسوم دنیاست می‌تواند به عنوان عامل محدودکننده رشد این بخش تلقی شود، وضعیتی که تداوم آن می‌تواند به زمینه‌ای برای تقویت صنعت‌زدایی در کشور منتج شود. از این رو اعمال سیاست‌های قیمتی از طریق کارگروه‌ها و شوراهای تنظیم‌کننده قیمت در این بخش بدون توجه به روند بلندمدت حاکم بر تضعیف رابطه مبادله این بخش با سایر بخش‌ها می‌تواند به عنوان عاملی بازدارنده جهت توسعه صنعتی کشور ایفای نقش کند و نیازمند بازنگری جدی است.

شاخص بهای کالاهای صادراتی طی دوره ۹۵-۱۳۹۳ به ترتیب ۰/۵-، ۱۶- و ۲/۷- درصد رشد داشته که یکی از دلایل آن کاهش قیمت نفت و فلزات اساسی در بازارهای جهانی می‌باشد. این امر نشان می‌دهد به دلیل سهم بالای کالاهای صادراتی منبع محور و انرژی بر از صادرات کل، شاخص بهای کالاهای صادراتی به شدت تحت تأثیر قیمت جهانی مواد خام و به ویژه نفت قرار دارد.

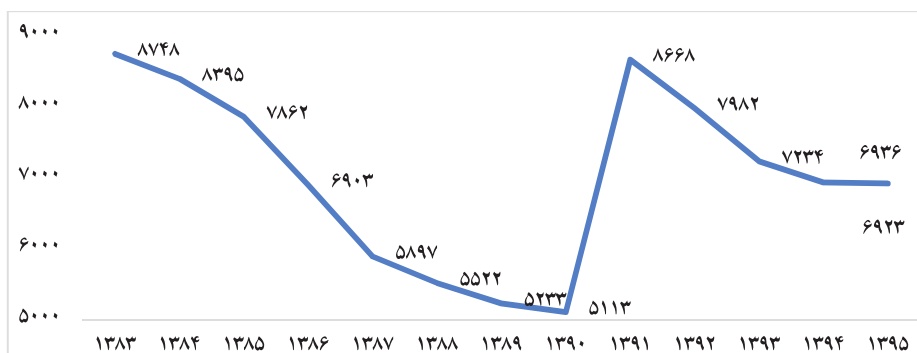
در مجموع بواسطه فضای باثبات تر اقتصادی پس از برجام و تجربه نرخ‌های تک‌رقمی رشد شاخص‌های قیمت در سال ۱۳۹۵، فشار محدودتری بر رشد نرخ ارز، دستمزد اسمی و نرخ سود تسهیلات بانکی به عنوان عوامل مؤثر بر هزینه عوامل تولید در بخش صنعت، معدن و تجارت وارد شد. نرخ حقیقی دلار در سال ۱۳۹۵ نسبت به سال ۱۳۹۴ (با کاهش ۰/۲ درصدی) تقریباً ثابت بود. این در حالی است که نرخ حقیقی دلار طی دوره ۹۴-۱۳۹۱ به دلیل نرخ‌های تورم دورقمی و تثبیت نرخ اسمی دلار روندی نزولی داشته است. دستمزدهای حقیقی در سال ۱۳۹۵ به دلیل افزایش حداقل دستمزد بیش از تورم تک‌رقمی رشد بیشتری را تجربه کرد و لذا فشار هزینه از این محل را بر بخش صنعت و معدن افزایش داد. نرخ سود تسهیلات بانکی در سال ۱۳۹۵ با توجه به روند نزولی تورم کاهش یافت و لذا زمینه اعطای تسهیلات بانکی در نرخ‌های اسمی پایین‌تر را فراهم کرد.

پیوست فصل سوم

تحلیل نرخ حقیقی دلار طی دوره ۱۳۸۳-۹۵

تحلیل نرخ حقیقی دلار طی دوره ۱۳۸۳-۹۵ نشان می‌دهد نرخ حقیقی دلار طی دوره ۱۳۸۳-۹۰ روندی نزولی داشته است. در سال ۱۳۹۱ نرخ حقیقی دلار به دلیل افزایش نرخ اسمی دلار افزایش یافته است و به رقمی تقریباً معادل نرخ حقیقی دلار سال ۱۳۸۳ رسیده است. طی دوره ۱۳۹۲-۹۵ نرخ حقیقی دلار دوباره روندی کاهشی داشته است. روند مستمر نزولی نرخ حقیقی دلار طی حدود یک دهه اخیر به جز سال ۱۳۹۱ که با افزایش قابل توجه مواجه گردید، نشانگر کاهش مداوم قدرت رقابت‌پذیری محصولات تولید داخل در مقایسه با کالاهای وارداتی است که تعدیل شوک‌گونه نرخ‌های ارز در آینده و تبعات بی‌ثبات‌ساز آن برای حوزه صنعت، معدن و تجارت را محتمل می‌سازد (نمودار ۱).

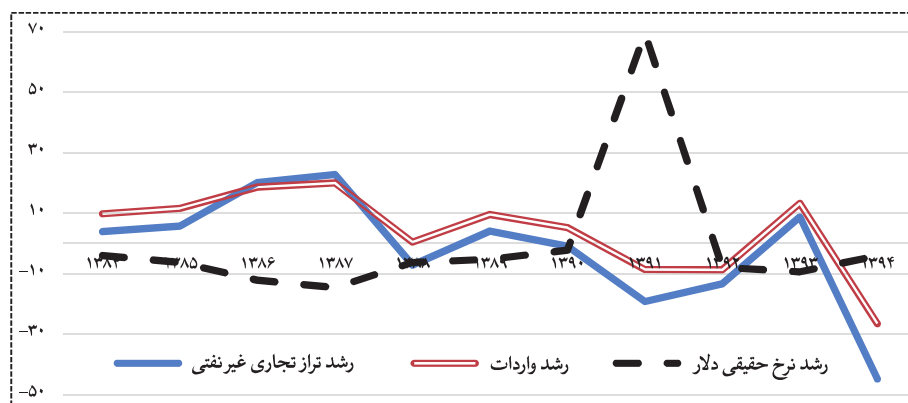
نمودار (۱) پیوست فصل سوم: روند نرخ حقیقی دلار طی دوره ۱۳۸۳-۹۵



مأخذ: محاسبات براساس اطلاعات بانک مرکزی.

ارتباط معکوسی بین رشد نرخ حقیقی دلار با متغیرهای رشد واردات و رشد تراز تجاری غیرنفتی وجود دارد. ضریب همبستگی بین رشد نرخ حقیقی دلار و رشد واردات ۰/۶- و بین رشد نرخ حقیقی دلار و رشد تراز تجاری غیرنفتی ۰/۷- درصد می‌باشد. این بدان مفهوم است که طی دوره موردنظر تثبیت نرخ اسمی دلار و به طریق اولی کاهش نرخ حقیقی دلار منجر به افزایش واردات و کاهش تراز تجاری غیرنفتی کشور شده است (نمودار ۲).

نمودار (۲) پیوست فصل سوم: رشد نرخ حقیقی دلار، رشد واردات و تراز تجاری طی دوره ۹۵-۱۳۸۴ (درصد)



مأخذ: محاسبات براساس اطلاعات بانک مرکزی.